



Original Article

The Effectiveness of Philosophy for Children Instruction on the Self-Control of Students

Fatemeh Fazelian Dehkordi¹, PhD Candidate; Tayebeh Sharifi^{1*}, PhD; Ahmad Ghazanfari¹, PhD

¹Department of Psychology, Faculty of Humanities, Shahrekord Branch, Islamic Azad University, Shahrekord, Iran

Article Information

Article History:

Received: April 22, 2024

Accepted: August 19, 2024

*Corresponding Author:

Tayebeh Sharifi, PhD;
Department of Psychology,
Faculty of Humanities, Shahrekord
Branch, Islamic Azad University,
Shahrekord, Iran
Email: ta.sharifi@iau.ac.ir

Abstract

Introduction: The present study aimed to investigate the effectiveness of a philosophy for children program on the self-control of fourth-grade female students.

Methods: The quasi-experimental study employed a pretest-posttest control group design with a two-month follow-up period. The statistical population included all fourth-grade female students in Shahrekord, Iran, during the 2020-2021 academic year. Using cluster random sampling, a sample of 60 students was selected and randomly assigned to either an experimental or a control group (30 students per group). The experimental group's teacher first received instruction on philosophy for children in a 4-hour workshop. Subsequently, this teacher delivered the philosophy for children program to the experimental group students over eight weekly sessions, each lasting 75 minutes. The Self-Control Scale (Tangney, Baumeister, and Boone, 2004) was administered. The data were analyzed using mixed analysis of variance (mixed ANOVA) in SPSS software, version 23.

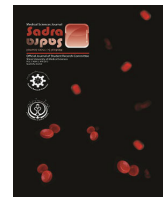
Results: The results indicated that teacher-delivered philosophy for children had a significant effect on students' self-control ($F=105.92$; $\eta^2=0.64$; $P<0001$). Specifically, the intervention significantly increased children's self-control. This effect was maintained at the two-month follow-up assessment.

Conclusion: Based on the findings, teaching philosophy—by fostering collaborative and thinking skills, enhancing communication and social responsibility, developing critical thinking, and discovering cognitive and perceptual abilities—could serve as an effective method for improving students' self-control.

Keywords: Philosophy; Metacognition; Models; Educational; Self-control, Female; Students

Please cite this article as:

Fazelian Dehkordi F, Sharifi T, Ghazanfari A. The Effectiveness of Philosophy for Children Instruction on the Self-Control of Students. Sadra Med. Sci. J. 2025; 13(4): 850-860. doi: 10.30476/SMSJ.2025.102401.1522.



مقاله پژوهشی

اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر خودمهارگری دانش آموزان

فاطمه فاضلیان دهکردی^۱، طیبه شریفی^{۱*}، احمد غضنفری^۱

^۱گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد، دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

چکیده

اطلاعات مقاله

تاریخچه مقاله:

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۲/۰۳

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۰۵/۲۹

نویسنده مسئول:

طیبه شریفی

گروه روانشناسی، دانشکده علوم انسانی، واحد شهرکرد،

دانشگاه آزاد اسلامی، شهرکرد، ایران

پست الکترونیکی: ta.sharifi@iaau.ac.ir

مقدمه: پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر خودمهارگری دانش آموزان دختر پایه‌ی چهارم ابتدایی انجام گرفت.

مواد و روش‌ها: روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه و دوره‌ی پیگیری دو ماهه بود. جامعه‌ی آماری شامل دانش‌آموزان دختر پایه‌ی چهارم ابتدایی بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ در شهرستان شهرکرد مشغول به تحصیل بودند. نمونه در این پژوهش شامل: شصت دانش‌آموز دختر پایه‌ی چهارم ابتدایی بود که با روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای انتخاب و با گمارش تصادفی در گروه‌های آزمایش و گواه جای‌دهی شدند (سی دانش‌آموز در گروه آزمایش و سی دانش‌آموز در گروه گواه). سپس معلم دانش‌آموزان حاضر در گروه آزمایش، آموزش فلسفه به کودکان را طی کارگاهی چهارساعته آموخت و طی هشت هفته و در هشت جلسه‌ی ۷۵ دقیقه‌ای به‌صورت گروهی برای دانش‌آموزان کلاس اجرا کرد. پرسش‌نامه‌ی استفاده‌شده در این پژوهش شامل پرسش‌نامه‌ی خودمهارگری (تانجی، بامیستر و بون، ۲۰۰۴) بود. داده‌های حاصل از پژوهش به‌شیوه‌ی تحلیل واریانس آمیخته با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۳ تجزیه و تحلیل شد.

یافته‌ها: نتایج نشان داد که آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان بر خودمهارگری ($P < 0.001$; $\eta^2 = 0.64$)؛ $F(10.5/92)$ دانش‌آموزان تأثیر داشته است. بدین صورت که این روش توانست خودمهارگری کودکان را افزایش دهد. این نتایج در مرحله‌ی پیگیری نیز ثبات خود را حفظ کرد.

نتیجه‌گیری: براساس یافته‌های پژوهش می‌توان چنین نتیجه گرفت که آموزش فلسفه با آشنایی دانش‌آموزان با مهارت‌های همکاری و تفکر، بهبود ارتباطات و مسئولیت‌پذیری اجتماعی، رشد تفکر انتقادی و کشف توانایی‌های شناختی و ادراکی می‌تواند به‌عنوان روشی کارآمد برای بهبود خودمهارگری دانش‌آموزان استفاده شود.

کلمات کلیدی: فلسفه؛ فراشناخت؛ مدل‌های آموزشی؛ خودکنترلی؛ دختر، دانش آموزان

لطفاً این مقاله را به این صورت استناد کنید:

فاضلیان دهکردی ف، شریفی ط، غضنفری ا. اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر خودمهارگری دانش‌آموزان. مجله علوم پزشکی صدرا. دوره ۱۳، شماره ۴، پاییز و زمستان ۱۴۰۴، ۸۶۰-۸۵۰.

در پاسخ به حالت غالب آن‌ها تعریف می‌کنند. برای اینکه کودک بتواند رفتارارش را مهار کند، باید این نکته را که او عامل پدیدآورنده‌ی رفتار است، درک کند و متوجه باشد که رفتار او و پیامد آن حاصل عملی است که تاحدی می‌تواند بر آن مهار داشته باشد (۱۰). نارسایی خودمهارگری نشانگر ناتوانی در تفکر درباره‌ی پیامد رفتار است. به زبان کلی‌تر، فقدان خودمهارگری ممکن است پیامدهای منفی برای سلامت روان افراد داشته باشد (۹). خودمهارگری پایین یکی از مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی رفتارهای انحرافی است و همچنین نتایج پژوهش‌ها حاکی از آن است که بین مشکلات روانی و خودمهارگری رابطه‌ی منفی وجود دارد (۱۱). درواقع افراد با مشکلات رفتاری همانند رفتارهای مخل و مخرب، سطح خودمهارگری پایینی دارند. ازاین‌رو افرادی که بر هیجانات خود مهار کمتری دارند با مشکلات بیشتری روبه‌رو هستند (۱۲). خودمهارگری در سنین کودکی شامل سه مدل خودمهارگری رفتاری^۱، خودمهارگری اجتماعی^۴ و خودمهارگری هیجانی^۵ است. در خودمهارگری رفتاری کودک می‌تواند رفتارهای خود را مدیریت و مهار کند. این درحالی است که در خودمهارگری اجتماعی کودک در تعاملات اجتماعی با هر فردی وارد ارتباط نمی‌شود. درنهایت در خودمهارگری هیجانی کودک قادر است هیجان‌های منفی خود در ارتباط با دیگران را مهار کند (۷). برای بهبود مؤلفه‌هایی همانند خودمهارگری کودکان، روش‌های آموزشی و درمانی مختلفی استفاده می‌شود. یکی از روش‌های مؤثر در این حوزه، آموزش فلسفه برای کودکان^۶ است (۱۳).

نتایج پژوهش لام^۷ (۱۳)، هامبرتو، مورا و گیانوتی^۸ (۱۴)، مالبوئف-هارتابیسی^۹ و همکاران (۱۵)، ایسیکلار و اوزتارک^{۱۰} (۱۶) نشان داده‌اند که آموزش فلسفه به کودکان به بهبود عملکرد اجتماعی و سازگاری فردی-اجتماعی کودکان منجر می‌شود. همچنین فرحزادی (۱۷) نشان داده است که آموزش فلسفه بر دانش هیجانی، شایستگی اجتماعی و همدلی کودکان دارای خودکنترلی پایین مؤثر است. افزون‌بر این شیرزادی و همکاران (۱۸) دریافتند که آموزش فلسفه برای کودکان بر هنجارگریزی و درگیری تحصیلی دانش‌آموزان پسر اثربخش است. نویدیان و همکاران

باتوجه‌به گزارش سازمان جهانی بهداشت در دو دهه‌ی آینده شاهد تغییراتی در الگوی همه‌گیر شناختی آسیب‌های روانی، هیجانی و اجتماعی خواهیم بود (۱). باتوجه‌به شیوع بالای اختلالات رفتاری، روانی و تحصیلی دوران کودکی و بار درخور توجهی که این اختلال به کودک، خانواده، نظام سلامت و جامعه تحمیل می‌کند، انجام مطالعات گسترده برای دستیابی به روش‌های مناسب پیشگیری و درمان و مدیریت این مشکلات در دوران کودکی ضروری است (۲). کودکی اولین و مهم‌ترین دوره‌ی زندگی آدمی است. ازآن‌جاکه در این دوره ساختار شخصیتی و رفتاری انسان بنیان گذاشته می‌شود، دوران کودکی را دورانی سرنوشت‌ساز و مثبت دانسته‌اند (۳). پاره‌ای از پژوهشگران باتوجه‌به نقش مؤثر درمان و آموزش زود هنگام در سنین پایین که خود نوعی پیشگیری محسوب می‌شود، نشان داده‌اند که اگر این مشکلات در سنین دبستان و در سال‌های ابتدای کودکی شناسایی و درمان شود تا حد زیادی تخفیف می‌یابد و به بهبود عملکرد کودک در زمینه‌های مختلف می‌انجامد (۴). براین‌اساس باتوجه‌به نظر متخصصان روان‌شناسی مبنی بر مهم و حساس بودن این دوره‌ی سنی در شکل‌گیری بسیاری از صفات و ویژگی‌های روان‌شناختی کودکان و همچنین ساختار تغییرپذیر و اصلاح‌پذیر این دوره‌ی تحولی، یادگیری مهارت‌ها و آموزش‌های مرتبط در این دوره ضروری است و بهره‌گیری نامناسب از فرصت‌ها و قابلیت‌های این دوره‌ی سنی، آسیب جدی هم به کودکان و هم به جامعه وارد می‌آورد (۵).

یکی از مشکلات جدی که برخی از کودکان با آن مواجه هستند، نداشتن مهارت خودمهارگری^۱ است (۶). چنان‌که نتایج پژوهش ژئی، چن و هوانگ^۲ (۷) بیانگر آن است که نبود مهارت خودمهارگری مناسب، سبب آسیب جدی به فرایندهای روانی، رفتاری و تحصیلی کودکان در سال‌های دبستان می‌شود. بخش درخور توجهی از آسیب‌شناسی روانی کودکان به نارسایی در خودمهارگری مربوط می‌شود. خودمهارگری عبارت است از مدیریت فرد بر رفتار و یادگیری خود. اصطلاح خودمهارگری، به‌طور معمول برای توانایی مهار رفتار تکانشی از طریق مهار امیال فوری کوتاه‌مدت به کار برده می‌شود (۸). ژانگ و همکاران (۹) خودمهارگری را به‌عنوان یک توانایی دانسته‌اند و آن را ظرفیت سرشت افراد در نادیده‌گرفتن یا تغییردادن تمایلات

3. Behavioral self-control

4. Social self-control

5. Emotional self-control

6. Philosophy for children

7. Lam

8. Humberto, Moura, Giannotti

9. Malboeuf-Hurtubise

10. Isiklar, Ozturk

1. Self-control

2. Zhi, Chen, Huang

(۱۹) نیز نشان دادند که آموزش فلسفه برای کودکان بر انعطاف‌پذیری روان‌شناختی دانش‌آموزان ابتدایی اثربخش است. از طرفی دهقان‌منشادی، شفيعی و همتی (۲۰) گزارش کرده‌اند که آموزش خويشتن‌داری به‌شیوهی فلسفه برای کودکان بر خودکنترلی دانش‌آموزان پایه‌ی دوم ابتدایی اثر دارد. رحیمی، واحدی و ایمان‌زاده (۲۱)، چراغ‌زاده، کردنوقایی و سهرابی (۲۲)، فتحی‌آذر، تقی‌پور و حاج‌آقای‌خیابانی (۲۳) نیز دریافته‌اند که آموزش فلسفه برای کودکان بر تاب‌آوری و خودتنظیمی هیجانی دانش‌آموزان ابتدایی مؤثر است. درنهایت عیسی‌مراد، نفر و فاطمی (۲۴) و رستمی و همکاران (۲۵) گزارش کردند که آموزش فلسفه به کودکان، مهارت استدلال، همدلی و حل مسأله‌ی اجتماعی آنان را بهبود می‌بخشد.

لیپمن^{۱۱} برنامه‌ی آموزش فلسفه برای کودکان را در سال ۱۹۷۰ برای کودکان پیش‌دبستانی و دبستانی طراحی کرد تا فرصتی برای تفکر و کندوکاو با همکلاسی‌های خود داشته باشند (۲۱). وی بر این اعتقاد بود که نباید به کودکان گفت چه چیزی درست و چه چیزی اشتباه است؛ بلکه کودکان باید با درگیری در گفت‌وگوهای اکتشافی با یکدیگر، خودشان به نتیجه برسند. طبق پیش‌فرض‌های موجود، برنامه‌ی فلسفه برای کودکان، با بهبود مهارت‌های همکاری و تفکر که در این برنامه رشد و پرورش می‌یابند، سبب بهبود ارتباطات و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتر کودکان می‌شود (۲۲). اجرای برنامه‌ی فلسفه برای کودکان باعث بهبود و رشد تفکر انتقادی، خلاق، منسجم و ریزبینانه می‌شود (۱۴). افرادی که در این دوره‌ها شرکت می‌کنند مهارت تفکر در سطح بالاتر را فرامی‌گیرند و در صورت لزوم می‌توانند نگرش را تغییر دهند (۱۵). بدین ترتیب مهارت ارتباطی آن‌ها بهبود و توانایی آن‌ها برای رابطه با دیگران افزایش می‌یابد. برخی از مهارت‌های خاصی که بدین طریق در کودک پرورش می‌یابد، عبارت است از مهارت‌های شناختی، ارزیابی استدلال و روابط علی، خوداصلاحی، مهارت‌های همکاری، گوش‌دادن به سخنان دیگران، داشتن تفکر باز و روشن، نقد نظرهای دیگران همراه با احترام، اطمینان در ابراز خود، شادمانی از ارائه‌ی انتقاد و شادمانی در پذیرش و پاسخ به انتقاد (۲۳). گفتنی است که آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان اهمیت‌ی دوچندان دارد. زیرا کودکان دوره‌ی دبستان به‌شکل معمول ارتباط عاطفی مناسبی با معلم خود دارند و ارائه‌ی مطالب آموزشی از طرف ایشان می‌تواند تأثیری دوچندان بر جای نهد (۱۵).

11. Lipman

باتوجه‌به ضرورت توجه به سلامت روان‌شناختی، هیجانی، شناختی و تحصیلی کودکان و اینکه فقدان توجه به آن می‌تواند زندگی اجتماعی، خانوادگی و تحصیلی آینده‌ی کودک را با آسیب جدی مواجه کند؛ ضروری است اقدامات مقتضی برای بهبود مؤلفه‌های روان‌شناختی، هیجانی، رفتاری و تحصیلی این کودکان صورت گیرد تا از پیشروی آسیب در آینده جلوگیری شود؛ زیرا آسیب‌های ناشی از مشکلات دوران کودکی، محدود به این دوران نیست و پیامدهای آن تا سال‌ها و گاه تا دوران بزرگسالی استمرار می‌یابد. در صورت نبود مهارت‌آموزی به‌هنگام، احتمال بروز مشکلات رفتاری جدی، آسیب‌های اجتماعی جبران‌ناپذیر و مشکلات تحصیلی در زندگی کودکان بالا می‌رود؛ زیرا تجربه‌های نخستین زندگی، بنیان سلامتی یا بیماری روانی افراد را در دوران نوجوانی و بزرگسالی پایه‌ریزی می‌کنند، از این رو به‌کارگیری روش‌های مداخله‌ای کارآمد در دوران کودکی نه‌تنها قدرت روانی و رفتاری کنونی کودک را بهبود می‌بخشد؛ بلکه به کاهش چشم‌گیر اختلالات رفتاری، روانی و هیجانی در زندگی آینده کودک می‌انجامد. افزون‌بر پرداختن به ضرورت انجام پژوهش، بیان شکاف پژوهشی نیز خالی از لطف نیست. این فرایند را می‌توان از دو منظر بررسی کرد. زیرا کودکان با نقص در خودمهارگری، گروهی از کودکان را شامل می‌شود که هنوز پژوهش‌های مداخله‌ای درخور توجهی برای این گروه از افراد به‌کار گرفته نشده است. افزون‌بر این باید گفت که آموزش فلسفه به کودکان به‌رغم کارایی بالینی مناسب در بهبود مؤلفه‌های رفتاری، شناختی و اجتماعی کودکان (منطبق با بررسی پیشینه‌ی پژوهشی ذکرشده) برای گروه با نقص در خودمهارگری، استفاده‌ی بالینی نشده است. بنابراین باتوجه‌به مباحث و مبانی مطرح‌شده درباره‌ی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان برای بهبود اختلالات روان‌شناختی، رفتاری و هیجانی جامعه‌های آماری کودکان و ازسوی‌دیگر باتوجه‌به خلاء پژوهشی موجود و به‌دلیل نبود تحقیقات مشابه، هدف این پژوهش اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان بر خودمهارگری دانش‌آموزان دختر پایه‌ی چهارم ابتدایی است.

مواد و روش‌ها

طرح تحقیق

روش پژوهش نیمه‌آزمایشی با طرح پیش‌آزمون-پس‌آزمون با گروه گواه و دوره‌ی پیگیری دو ماهه بود.

جامعه‌ی آماری

جامعه‌ی آماری شامل دانش‌آموزان دختر پایه‌ی چهارم ابتدایی بود که در سال تحصیلی ۱۴۰۱-۱۴۰۰ در شهرکرد مشغول به تحصیل بودند.

معیارهای ورود و خروج

ملاک‌های ورود به پژوهش شامل حضور در پایه‌ی چهارم دبستان، جنسیت دختر، رضایت دانش‌آموز و والد برای شرکت فرزند خود در پژوهش، نداشتن بیماری جسمی و روان‌شناختی حاد و مزمن (باتوجه‌به پرونده‌ی سلامت، اظهارات والدین و معلم) و دریافت نکردن مداخله‌ی روان‌شناختی همزمان بود. ملاک‌های خروج از پژوهش نیز شامل داشتن بیش از دو جلسه غیبت، همکاری نداشتن و انجام ندادن تکالیف مشخص‌شده در کلاس، تمایل نداشتن به ادامه‌ی حضور در فرایند انجام پژوهش، وقوع حادثه‌ی پیش‌بینی‌نشده و پاسخ‌گونی‌بودن به پرسش‌نامه‌های پژوهش در یکی از مراحل پس‌آزمون یا پیگیری بود.

حجم نمونه

برای انتخاب حجم نمونه از روش نمونه‌گیری تصادفی خوشه‌ای استفاده شد. بدین‌صورت که از بین دو ناحیه‌ی آموزش و پرورش شهرکرد، یک ناحیه به‌تصادف انتخاب شد. سپس از بین دبستان‌های دخترانه یک دبستان به‌تصادف انتخاب و دو کلاس چهارم این دبستان وارد پژوهش شد (یک کلاس به‌عنوان گروه آزمایش و یک کلاس به‌عنوان گروه گواه: هر کلاس سی نفر). بنابراین تعداد شصت دانش‌آموز دختر پایه‌ی چهارم به‌عنوان نمونه در پژوهش حضور داشتند. سپس پژوهشگر فلسفه به کودکان را به معلم آموزش داد تا بدین‌وسيله تا پایان فرایند اجرایی پژوهش، به‌صورت آموزش‌دیده در کلاس تدریس کند. این درحالی بود که دانش‌آموزان دختر حاضر در گروه گواه هیچ‌گونه مداخله‌ای در طول پژوهش دریافت نکردند و در انتظار دریافت مداخلات حاضر بودند. قبل از شروع اجرای مداخله‌ی پژوهش از سوی معلم، دانش‌آموزان دختر در گروه آزمایش و گواه به پرسش‌نامه‌های پژوهش در مرحله‌ی پیش‌آزمون پاسخ دادند. پس از اتمام جلسات پس‌آزمون اجرا و برای اطمینان از ثبات نتایج مرحله‌ی پیگیری دو ماهه اجرا شد.

ابزار گردآوری داده‌ها

پرسش‌نامه‌ی خودمهارگری (SCQ)^{۱۲}: پرسش‌نامه‌ی خودمهارگری را تانجی، بامیستر و بون^{۱۳} (۲۶) تدوین

12. Self-Control Questionnaire

13. Tangney, Baumeister, Boone

کرده‌اند. این پرسش‌نامه دارای سیزده سؤال بوده و هدف آن سنجش میزان کنترل افراد بر خودشان است. طیف پاسخگویی آن از نوع مقیاس پنج درجه‌ای لیکرت هرگز ۱، به‌ندرت ۲، گهگاهی ۳، زیاد ۴ و بسیار زیاد ۵ است، اما این شیوه‌ی نمره‌گذاری درباره‌ی سؤال‌های ۲، ۳، ۴، ۵، ۷، ۹، ۱۰، ۱۲ و ۱۳ معکوس شده است و به‌صورت زیر در می‌آید: هرگز ۵، به‌ندرت ۴، گهگاهی ۳، زیاد ۲ و بسیار زیاد ۱. برای به‌دست‌آوردن امتیاز کلی پرسش‌نامه، امتیازات همه‌ی سؤال‌ها با هم جمع می‌شود. بیشترین نمره برای پرسش‌نامه خودکنترلی ۶۵ و کمترین ۱۳ است (۲۶). نمره‌ی بیشتر بیانگر خودمهارگری بالاتر فرد خواهد بود و برعکس نمره‌ی کمتر بیانگر خودمهارگری پایین فرد خواهد بود (۲۶). در پژوهش تانجی، بامیستر و بون (۲۶) روایی هم‌زمان این مقیاس با ارزیابی همبستگی آن با مقیاس‌های پیشرفت تحصیلی، سازگاری، روابط مثبت و مهارت‌های بین‌فردی تأیید شده است. همچنین پایایی آن در پژوهش تانجی، بامیستر و بون (۲۶) بر روی دو نمونه‌ی آماری با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ ۰/۸۳ و ۰/۸۵ به‌دست آمده است. روایی محتوایی این پرسش‌نامه در پژوهش موسوی‌مقدم و همکاران (۲۷) نیز ارزیابی و مطلوب گزارش شده است. همچنین موسوی‌مقدم و همکاران (۲۷) میزان پایایی پرسش‌نامه را با استفاده از ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۶ گزارش کرده است. در پژوهش حاضر نیز میزان پایایی پرسش‌نامه با ضریب آلفای کرونباخ ۰/۸۴ محاسبه شد. روایی به‌روش همسانی درونی میان نمره‌ی کل و گویه‌ها میان ۰/۵۴ تا ۰/۶۹ و معنی‌دار به‌دست آمد.

روند اجرای پژوهش

برای انجام پژوهش ابتدا هماهنگی‌های لازم با مسئولان آموزش و پرورش شهرکرد انجام شد. سپس ضمن هماهنگی با مسئولان دبستان دخترانه‌ی ابتدایی منتخب، با رضایت آگاهانه از کودکان و والدین آنان و گمارش آن‌ها در گروه‌های آزمایش و گواه (سی دانش‌آموز دختر در گروه آزمایش و سی دانش‌آموز دختر در گروه گواه)، پرسش‌نامه‌های پژوهش در مرحله‌ی پیش‌آزمون اجرا شد. سپس آموزش فلسفه به کودکان در طی کارگاهی چهار ساعته به معلم به‌شکل کامل توضیح داده شد. افزون‌بر این قبل از شروع هر جلسه نیز پژوهشگر به بیان جزئیات جلسه پیش رو پرداخت و جزئیات را در اختیار معلم قرار داد تا مداخله به شکلی دقیق و علمی اجرا شود. سپس معلم دانش‌آموزان

بیشتر از ۰/۰۵) و همچنین برای آزمون فرضیه‌ی پژوهش از تحلیل واریانس آمیخته و آزمون تعقیبی بونفرنی استفاده شد. تجزیه و تحلیل داده‌ها با استفاده از نرم‌افزار آماری SPSS نسخه ۲۳ انجام شد.

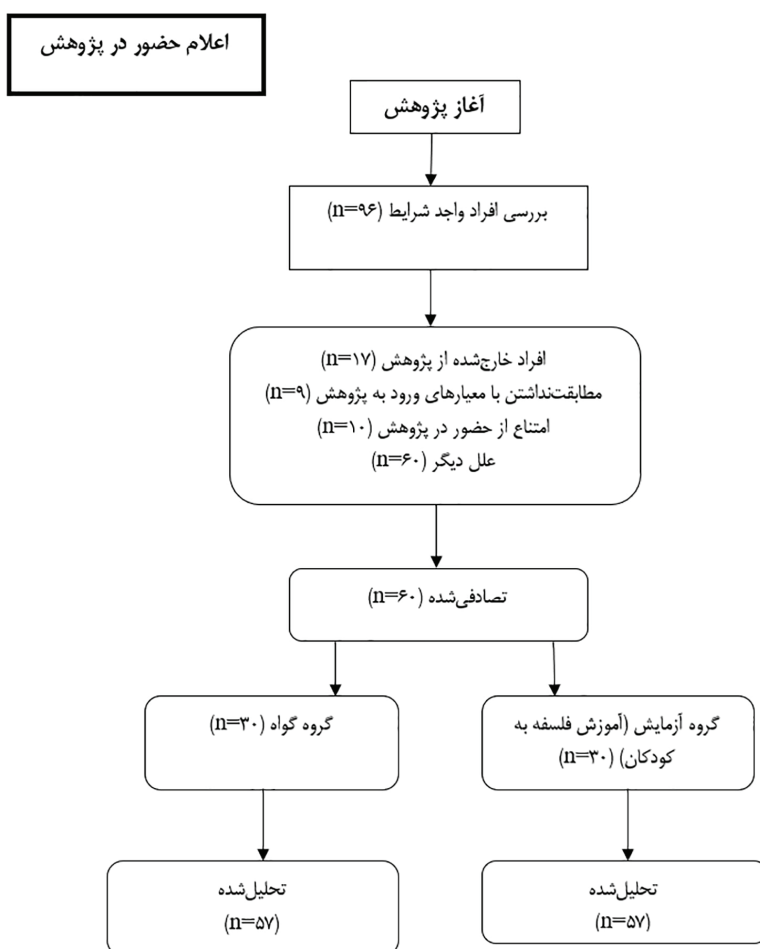
ملاحظات اخلاقی

به منظور رعایت اخلاق در پژوهش، رضایت دانش‌آموزان برای شرکت در برنامه‌ی مداخله کسب شد و از کلیه‌ی مراحل مداخله آگاه شدند. همچنین به دانش‌آموزان گروه گواه اطمینان داده شد که آنان نیز پس از پایان فرایند پژوهشی، این مداخلات را دریافت خواهند کرد. همچنین به دانش‌آموزان حاضر در هر دو گروه اطمینان داده شد که اطلاعات آن‌ها محرمانه باقی مانده و نیازی به درج نام نیست. به منظور ایجاد انگیزه در دانش‌آموزان برای شرکت در پژوهش حاضر، قبل از شروع مداخله، جوایز درمانی و آموزشی مداخلات برای شرکت‌کنندگان توضیح داده شد. این درحالی است که تمام فرایندهای اجرایی مداخله نیز به شکل رایگان برای آن‌ها ارائه داده شد. افزون بر این مقاله‌ی حاضر دارای کد اخلاق به شناسه‌ی IR.IAU.SHK.REC.1401.118 از دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد است.

حاضر در گروه آزمایش، آموزش فلسفه به کودکان را طی هشت هفته در هشت جلسه‌ی ۷۵ دقیقه‌ای به صورت گروهی به دانش‌آموزان ارائه کرد. این در حالی بود که دانش‌آموزان حاضر در گروه گواه به محتوای این بسته دسترسی نداشتند و در طول اجرای پژوهش از دریافت آن محروم بودند. پس از پایان جلسه‌ها، پس از آزمون اجرا و برای اطمینان از ثبات نتایج، مرحله‌ی پیگیری نیز دو ماه بعد اجرا شد (شکل ۱ و جدول ۱). پایه‌ی جلسات مداخله‌ای آموزش فلسفه به کودکان برگرفته از پروتکل شیرزادی و همکاران (۱۸) بود.

تحلیل آماری

در پژوهش حاضر برای تجزیه و تحلیل داده‌های جمع‌آوری شده از دو سطح آمار (توصیفی و استنباطی) استفاده شد. در سطح آمار توصیفی از میانگین و انحراف معیار بهره برده شد. در سطح آمار استنباطی نیز از آزمون شاپیرو ویلک برای بررسی پیش‌فرض نرمالیتی توزیع نمونه‌ای داده‌ها (حد بهینه بیشتر از ۰/۰۵)، آزمون لوین برای بررسی پیش‌فرض یکسانی واریانس‌ها (بهینه حد بزرگ‌تر از ۰/۰۵)، برای بررسی پیش‌فرض کرویت داده‌ها از آزمون موچلی (حد بهینه



شکل ۱. کردار کانسورت پژوهش حاضر

جدول ۱. خلاصه‌ی جلسات آموزش فلسفه به کودکان (۱۸)

جلسه	هدف	شرح جلسه
جلسه‌ی اول	آشنایی و معارفه	آشنایی و معارفه، بیان مقررات و قوانین گروه، توضیحات اولیه و ساده برای معرفی آموزش فلسفه، چیدمان کلاس به شکل دایره‌وار، جدول زمان‌بندی و لیست جلسات آینده.
جلسه‌ی دوم	آماده‌سازی ذهنی کودکان با چالش‌های تحصیلی موجود	بررسی چالش کودکان در محیط تحصیلی، عوامل مؤثر بر عملکرد تحصیلی کودکان از دید خود آنان، بررسی پیشنهادات مبنی بر بهبود عملکرد تحصیلی همانند خودمهارگری و به بحث گذاشتن آن از طرف معلم به‌عنوان تسهیل‌گر. ارائه‌ی تکلیف خانگی مبنی بر یادداشت موانع تحصیلی کودک.
جلسه‌ی سوم	تمرکز بر راهبردهای خودمهارگری	فراهم کردن شرایط از سوی تسهیل‌گر (معلم) برای ارائه‌ی راهبردهای خودمهارگری از طرف کودکان. بدین صورت که تسهیل‌گر (معلم) تلاش کرد راهبردهای خودمهارگری مقبول اکثریت را مشخص و سپس یکی از دروس با رعایت خودمهارگری کودکان ارائه دهد. تکلیف خانگی: در رابطه با راهبرد خودمهارگری استفاده‌شده در کلاس فکر کرده و نقاط ضعف آن را یادداشت کند.
جلسه‌ی چهارم	آموزش مسائل و قوانین اجتماعی در محیط تحصیلی	در این جلسه تسهیل‌گر (معلم) با ارائه‌ی داستان فلسفی «ماجرای رویارویی فینگل» تلاش کرد قوانین و مسائل اجتماعی در محیط تحصیلی را از پردازش شناختی کودکان فراخوانده و آن‌ها را میان کودکان به بحث گذارد. تکلیف خانگی: یادداشت مهم‌ترین قوانین اجتماعی مطرح‌شده در محیط تحصیلی.
جلسه‌ی پنجم	تسلط راهبردهای خودمهارگری	در این جلسه تسهیل‌گر (معلم) تلاش کرد ایده‌های کودکان را مبنی بر تسلط بر راهبردهای خودمهارگری شناسایی کند و درباره‌ی آن بحث کند. تسهیل‌گر (معلم) در کنار بررسی ایده‌های دانش‌آموزان تلاش کرد از روش یادگیری کاهنده بهره برد. تکلیف خانگی: تمرین برای تسلط بر راهبردهای خودمهارگری
جلسه‌ی ششم	آشنایی با خودارزیابی، سازماندهی و نظارت	تسهیل‌گر (معلم) جلسه را با این سؤال آغاز کرد: چگونه می‌توان بر خود نظارت داشت و فعالیت‌های تحصیلی خود را ارزیابی کرد؟ کودکان با مشارکت در بحث روش‌های خودنظارتی و خودارزیابی را تصریح کردند. سپس تسهیل‌گر (معلم) با جمع‌بندی این مباحث و با بهره‌بردن از روش‌های ارائه‌شده‌ی کودکان، فرایندهای خودنظارتی، خودارزیابی و سازماندهی را با ارائه‌ی یک درس آموزش داد. تکلیف خانگی: یادگیری یک درس با استفاده از روش خودنظارتی و خودارزیابی.
جلسه‌ی هفتم	آموزش ارزش‌ها	در این جلسه تسهیل‌گر (معلم) از کودکان خواست تا نمونه‌های بارز در زندگی خود را بیان کنند. سپس تحصیل و عملکرد تحصیلی به‌عنوان یکی از ارزش‌های اشاره‌شده‌ی کودکان تصریح شد. تکلیف خانگی: تمرکز بر یادگیری دروس با در نظر گرفتن عملکرد تحصیلی به‌عنوان یکی از ارزش‌های کودک.
جلسه‌ی هشتم	آموزش تفکر آگاهانه	در این جلسه تسهیل‌گر (معلم) از کودکان خواست تا با یکدیگر بحث و گفت‌وگو کنند تا فرایند مباحثه و مواجهه‌ی فکری برای آنان به‌صورت امری بدیهی درآید. این فرایند باعث شد تا آنان به‌مرور تفکر آگاهانه را آغاز و شروع به اندیشیدن کنند. تکلیف خانگی: انجام یک رفتار یا مطالعه‌ی دروس با به‌کارگیری آگاهی در لحظه.

جدول ۲. میانگین و انحراف استاندارد خودمهارگری در دو گروه آزمایش و گواه

گروه‌ها	پیش‌آزمون		پس‌آزمون		پیگیری
	میانگین	انحراف معیار	میانگین	انحراف معیار	انحراف معیار
گروه آزمایش	۳۷/۲۰	۸/۲۷	۴۳/۱۶	۹/۷۹	۴۲/۴۰
گروه گواه	۳۶/۰۳	۸/۱۰	۳۵/۲۳	۸/۰۲	۳۵/۷۳

یافته‌ها

این یافته نشان می‌داد پیش‌فرض همگنی واریانس‌ها در متغیر خودمهارگری ($F=0/44$; $P=0/38$) رعایت شده است. این درحالی بود که نتایج آزمون موچلی بیانگر آن بود که پیش‌فرض کرویت داده‌ها در متغیر خودمهارگری ($Mauchlys W = 0/92$; $P=0/41$) رعایت شده است.

نتایج آزمون واریانس آمیخته در جدول ۳ نشان داد عامل زمان (تغییرات مراحل پس‌آزمون و پیگیری نسبت به پیش‌آزمون) تأثیر معناداری بر میانگین نمرات خودمهارگری دانش‌آموزان دختر پایه‌ی چهارم ابتدایی داشته است. اندازه‌ی اثر هم نشان داد که این عامل ۵۴ درصد از تفاوت در واریانس نمرات خودمهارگری دانش‌آموزان دختر پایه‌ی چهارم ابتدایی را تبیین می‌کند.

میانگین و انحراف استاندارد متغیر وابسته‌ی پژوهش در مراحل پیش‌آزمون، پس‌آزمون و پیگیری، به تفکیک دو گروه آزمایش و گواه در جدول ۲ ارائه شده است.

قبل از ارائه‌ی نتایج تحلیل واریانس آمیخته، پیش‌فرض‌های آزمون‌های پارامتریک که برای استفاده از آزمون‌های پارامتریک لازمند، سنجیده شد. برهمین‌اساس نتایج آزمون شاپیرو ویلک بیانگر آن بود که پیش‌فرض نرمال بودن توزیع نمونه‌ای داده‌ها در متغیر خودمهارگری ($F=0/12$; $P=0/20$) برقرار است. همچنین پیش‌فرض همگنی واریانس نیز توسط آزمون لوین سنجیده شد که نتایج آن معنادار نبود و

جدول ۳. نتایج تحلیل واریانس آمیخته برای بررسی تأثیرات درون‌گروهی و بین‌گروهی اثر آموزش فلسفه به کودکان بر خودمهارگری آنان

مجموعه مجذورات	درجه‌ی آزادی	میانگین مجذورات	مقدار f	مقدار p	اندازه‌ی اثر	توان آزمون
مراحل	۲	۱۲۶/۹۴	۶۹/۲۶	۰/۰۰۱	۰/۵۴	۱
گروه‌بندی	۱	۱۲۴۲/۹۴	۶۱/۵۵	۰/۰۰۱	۰/۵۱	۱
تعامل زمان و گروه‌بندی	۲	۱۹۴/۱۰	۱۰۵/۹۲	۰/۰۰۱	۰/۶۴	۱
خطا	۱۱۶	۲۱۲/۵۷	۱/۸۳			

جدول ۴. مقایسه‌ی زوجی میانگین نمرات خودمهارگری آزمودنی‌ها بر حسب مرحله‌ی ارزیابی با استفاده از آزمون تعقیبی بونفرونی

مرحله‌ی مقایسه	تفاوت میانگین‌ها	خطای انحراف معیار	معناداری
پیش‌آزمون			
پیش‌آزمون	۲/۵۸-	۰/۳۱	۰/۰۰۱
پیگیری	۲/۴۵-	۰/۲۷	۰/۰۰۱
پس‌آزمون			
پیش‌آزمون	۲/۵۸	۰/۳۱	۰/۰۰۱
پیگیری	۰/۱۳	۰/۱۳	۰/۸۸

نتایج جدول ۴ بیانگر آن است که بین میانگین نمرات مرحله‌ی پیش‌آزمون با پس‌آزمون و پیگیری در متغیر خودمهارگری تفاوت معنادار وجود دارد. این بدان معناست که آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان توانسته است نمرات پس‌آزمون و پیگیری متغیر خودمهارگری را نسبت به مرحله‌ی پیش‌آزمون را به شکل معناداری دچار تغییر کند. یافته‌ی دیگر این جدول نشان داد که بین میانگین نمرات مرحله‌ی پس‌آزمون و پیگیری تفاوت معنادار وجود ندارد. این یافته را می‌توان این چنین تبیین کرد که نمرات متغیر خودمهارگری دانش‌آموزان دختر پایه‌ی چهارم ابتدایی که در مرحله‌ی پس‌آزمون دچار تغییر معنادار شده بود، توانسته است این تغییر را در طول دوره‌ی پیگیری نیز حفظ کند.

بحث

پژوهش حاضر با هدف بررسی اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان و بررسی اثربخشی آن بر خودمهارگری دانش‌آموزان دختر پایه‌ی چهارم ابتدایی انجام گرفت. نتایج نشان داد که آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان بر خودمهارگری دانش‌آموزان تأثیر داشته و توانسته است به بهبود خودمهارگری این دانش‌آموزان می‌انجامد. این یافته با نتایج پژوهش لام (۱۳)، مالبوئف-هارتابیس^{۱۴} و همکاران (۱۵)، فرحزادی (۱۷)، شیرزادی و همکاران (۱۸)، دهقان‌منشادی، شفیعی و همتی (۲۰)،

افزون‌بر این، براساس نتایج، تأثیر عضویت گروهی یعنی آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان هم بر نمرات خودمهارگری دانش‌آموزان دختر پایه‌ی چهارم ابتدایی معنادار است. بنابراین چنین نتیجه می‌شود که آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان هم بر خودمهارگری دانش‌آموزان دختر پایه‌ی چهارم ابتدایی تأثیر معنادار داشته است. اندازه‌ی اثر مربوط به این یافته نیز نشان می‌دهد که این آموزش ۵۱ درصد از تفاوت در نمرات خودمهارگری دانش‌آموزان دختر پایه‌ی چهارم ابتدایی را تبیین می‌کند. افزون‌بر این، نتایج بیانگر آن بود که اثر متقابل نوع آموزش (آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان) و عامل زمان (تغییرات مراحل پس‌آزمون و پیگیری نسبت به پیش‌آزمون) هم بر نمرات خودمهارگری دانش‌آموزان دختر پایه‌ی چهارم ابتدایی معنادار است. بنابراین نتیجه گرفته می‌شود نوع مداخله یعنی آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان در مراحل مختلف ارزیابی (پس‌آزمون و پیگیری) هم بر خودمهارگری دانش‌آموزان دختر پایه‌ی چهارم ابتدایی تأثیر معنادار داشته است. اندازه‌ی اثر نشان می‌دهد اثر تعامل آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان و عامل زمان (تغییرات مراحل پس‌آزمون و پیگیری نسبت به پیش‌آزمون) ۶۴ درصد از تفاوت در نمرات خودمهارگری دانش‌آموزان دختر پایه‌ی چهارم ابتدایی را تبیین می‌کند. حال در جدول ۴ مقایسه‌ی زوجی میانگین نمرات خودمهارگری آزمودنی‌ها بر حسب مرحله‌ی ارزیابی با استفاده از آزمون تعقیبی بونفرونی ارائه می‌شود.

14. Malboeuf-Hurtubise

معناداری بر روی رشد و پرورش مهارت‌های تفکر، قوه‌ی استدلال و قضاوت صحیح کودکان دارد. براین‌اساس با برنامه‌ی آموزش فلسفه برای کودکان می‌توان کودکانی پرورش داد که نقاد و خلاق هستند و این‌ها مستلزم تعقل و قضاوت است. پرورش تعقل و قدرت قضاوت صحیح در کودکان باعث می‌شود تا آنان بتوانند مهار بالاتری بر رفتارهای فردی و اجتماعی خود داشته باشند و در نتیجه خودمهارگری بالاتری را تجربه کنند.

محدودیت‌های پژوهش

پژوهش حاضر مانند سایر پژوهش‌ها با محدودیت‌هایی ازجمله محدودیت جمعیت مطالعه‌شده‌ی دانش‌آموزان پایه‌ی چهارم دوره‌ی ابتدایی شهرستان شهرکرد، جنسیت دختر، نبود کنترل و تفکیک اثر متغیرهای شخصیتی، اجتماعی، مدرسه‌ای و خانوادگی مؤثر بر خودمهارگری کودکان و استفاده‌نکردن از روش نمونه‌گیری تصادفی همراه بود.

پیشنهادهای پژوهش

براساس محدودیت‌های عنوان‌شده در پژوهش حاضر، پیشنهاد می‌شود به‌منظور افزایش تعمیم‌پذیری نتایج در سطح پیشنهادات تحقیق، این تحقیق بر روی سایر گروه‌های سنی، جنسیت پسر و سایر شهرها، مناطق و جوامع با فرهنگ‌های مختلف، دیگر دانش‌آموزان با آسیب روانی و شناختی همانند دانش‌آموزان با علائم اضطراب، افسردگی، استرس، اضطراب جدایی و... انجام شود. باتوجه‌به اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان بر خودمهارگری دانش‌آموزان دختر پایه‌ی چهارم ابتدایی، در سطح عملی پیشنهاد می‌شود مسئولان آموزش و پرورش شهرکرد با فعال کردن مشاوران مدارس، متخصصان، و روان‌شناسان تربیتی در مراکز مشاوره و خدمات روان‌شناسی دو مقوله‌ی خودمهارگری و قدرت تفکر فلسفی دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی را بررسی کنند و با آموزش مشاوران و روان‌شناسان در مراکز مربوطه و استفاده از معلمان و ترغیب آنان به استفاده از آموزش فلسفه برای کودکان به‌منظور ارتقای‌های مهارت‌های فردی و اجتماعی دانش‌آموزان دوره‌ی ابتدایی اقدام لازم را انجام دهند.

نتیجه‌گیری

در یک جمع‌بندی نهایی می‌توان گفت برنامه‌ی آموزش فلسفه، کودکان را توانمند می‌کند تا مهارت

نویدیان و همکاران (۱۹)، رحیمی، واحدی و ایمان‌زاده (۲۱)، فتحی‌آذر، تقی‌پور و حاج‌آقای خیابانی (۲۳) همسو است. در تبیین یافته‌ی حاضر مبنی بر اثربخشی آموزش فلسفه به کودکان از طریق معلمان بر خودمهارگری دانش‌آموزان دختر پایه‌ی چهارم ابتدایی، باید گفت پرورش تفکر فلسفی زمینه رشد و پرورش تفکر استدلالی را برای کودکان فراهم می‌آورد. این امر ازاین‌رو است که تفکر فلسفی، نحوه‌ی استدلال کردن را به کودکان نشان می‌دهد و مهارت استدلال‌گری و تفکر عمیق را در کودکان پرورش می‌دهد (۲۵). بنابراین کودکان با آموزش مهارت تفکر و استدلال، به‌شکل عمیق‌تری درباره‌ی فرایندها و پردازش‌های شناختی، هیجانی و اخلاقی خود می‌اندیشند و تلاش می‌کنند رفتارهای فردی و اجتماعی سازنده‌تری را از خود به‌نمایش گذارند و در نتیجه خودمهارگری رفتاری و هیجانی بالاتری را نیز تجربه می‌کنند. در تبیینی دیگر باید گفت که در این روش کودک فضای آموزشی را جایی برای پژوهش درباره‌ی سؤال‌های ذهنی خود و آزمون اندیشه‌ها و باورهایش می‌بیند. آموزش فلسفه برای کودکان باعث می‌شود فضای مقتدرانه‌ی کلاس به حلقه‌های کندوکاو فکری فلسفی برای ترویج دموکراسی و استقلال فکری در کودکان تبدیل شود (۲۳). بنابراین برنامه‌ی آموزش فلسفه، کودکان را قادر می‌سازد تا بین موضوعات مختلفی که می‌آموزند، ارتباط برقرار کنند؛ مهارت‌های همکاری و مهارت‌های تفکر را رشد و پرورش دهند، ارتباطات و مسئولیت‌پذیری اجتماعی بیشتری را برعهده گیرند و قدرت تفکر استدلالی و انتزاعی را در خود افزایش دهند. برپایه‌ی مفاهیم کسب‌شده مبنی بر احساس مسئولیت، می‌توان انتظار داشت این کودکان نسبت به دیگر کودکان و همسالان احساس مسئولیت اجتماعی بالاتری را ادراک کرده و در نتیجه تلاش کنند در تعاملات خود با دیگران خودمهارگری رفتاری و ارتباطی بالاتری را از خود نشان دهند. در تبیینی دیگر باید بیان کرد همان‌طور که جهان از عصر صنعتی به عصر اطلاعات قدم می‌نهد، وابستگی مردم به مهارت‌های ناظر به امور واقع کمتر شده و در عوض وابستگی آن‌ها به مهارت و توانایی سازماندهی و پردازش اطلاعات بیشتر می‌شود. این مهارت‌های مربوط به سطوح عالی‌تر تفکر، بایستی در مدارس آموزش داده شوند. بنابراین نیاز ما در عصر اطلاعات بیش از آن که به حجم اطلاعات باشد مربوط به تناسب اطلاعات و مهارت‌های ذکر شده است و این مهارت‌ها مستلزم داشتن ذهن فلسفی است (۲۰). چنان‌که برنامه‌ی آموزش فلسفه به کودکان تأثیرات

تشکر و قدردانی

مقاله‌ی حاضر برگرفته از رساله‌ی دوره‌ی دکترای تخصصی نویسنده‌ی اول مقاله در دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرکرد بود. بدین‌وسیله از تمام دانش‌آموزان حاضر در پژوهش، والدین آنان و مسئولین آموزش و پرورش شهرستان شهرکرد که همکاری کاملی برای اجرای پژوهش داشتند، قدردانی به‌عمل می‌آید.

تعارض منافع

در این پژوهش هیچ تعارض منافی از سوی نویسندگان گزارش نشده است.

منابع

- Howes Vallis E, Zwicker A, Uher R, Pavlova B. Cognitive-behavioural interventions for prevention and treatment of anxiety in young children: A systematic review and meta-analysis. *Clin Psychol Rev.* 2020;81:101904.
- Shuai J, Tian G, Cui Y, Zhou F, Yang W, Ma Y, et al. WITHDRAWN: Associations between family support, loneliness, and underlying depression among children and adolescents in the China family panel studies: A mediation analysis. *J Affect Disord.* 2023;327:397-403.
- Kwok SY, Gu M, Cheung AP. A longitudinal study of the role of children's altruism and forgiveness in the relation between parental aggressive discipline and anxiety of preschoolers in China. *Child Abuse Negl.* 2017;65:236-47.
- Dede Yildirim E, Roopnarine JL, Abolhassani A. Maternal use of physical and non-physical forms of discipline and preschoolers' social and literacy skills in 25 African countries. *Child Abuse Negl.* 2020;106:104513.
- Qu G, Wang L, Tang X, Wu W, Zhang J, Sun Y. Association between caregivers' anxiety and depression symptoms and feeding difficulties of preschool children: A cross-sectional study in rural China. *Arch Pediatr.* 2020;27(1):12-7.
- Patros CHG, Alderson RM, Hudec KL, Tarle SJ, Lea SE. Hyperactivity in boys with attention-deficit/hyperactivity disorder: The influence of underlying visuospatial working memory and self-control processes. *J Exp Child Psychol.* 2017;154:1-12.
- Zhi K, Chen Y, Huang J. Children's self-control and family savings for education: An empirical examination from China. *Children and youth services review.* 2020;119:105575.
- Raghunathan RS, Musci RJ, Knudsen N, Johnson SB. What children do while they wait: The role of self-control strategies in delaying gratification. *J Exp Child Psychol.* 2023;226:105576.
- Zhang R, Qiu Z, Li Y, Liu L, Zhi S. Teacher support, peer support, and externalizing problems among left-behind children in rural China: Sequential mediation by self-esteem and self-control. *Children and Youth Services Review.* 2021;121:105824.
- Parajuli N, Shindhe M, Pradhan B. Effect of Surya Namaskara (Sun Salutation) on mental health, self-control and mindfulness of adolescent school children. *Complement Ther Clin Pract.* 2023;50:101691.
- Yaghmaei S, Malekpour M, Ghamarani A. Effectiveness of Barkley's parental training on self-control of children with attention deficit/hyperactivity disorder. *Empower Except Child.* 2019;10(1):15-27. Persian.
- Cheraghzadeh M, Kord Noghabi R, Sohrabi Z. The effectiveness of training philosophy to children on the feeling of loneliness and disappointment of students. *J Think Child.* 2019;10(1):37-50. Persian.
- Lam C-M. A philosophy for children approach to professional development of teachers. *Camb J Educ.* 2023;53(1):1-17.
- Humberto M, Moura F, Giannotti M.

- Incorporating children's views and perceptions about urban mobility: Implementation of the "philosophy with children" inquiry approach with young children. *Travel Behav Soc.* 2022;26:168-77.
15. Malboeuf-Hurtubise C, Leger-Goodes T, Mageau GA, Joussemet M, Herba C, Chadi N, et al. Philosophy for children and mindfulness during COVID-19: Results from a randomized cluster trial and impact on mental health in elementary school students. *Prog Neuropsychopharmacol Biol Psychiatry.* 2021;107:110260.
16. Işıklar S, Öztürk YA. The effect of philosophy for children (P4C) curriculum on critical thinking through philosophical inquiry and problem solving skills. *Int J Contemp Educ Res.* 2022;9(1):130-42.
17. Farhzadi N. Comparing the effectiveness of metacognition training, executive functions and philosophy on emotional knowledge, social competence and empathy of children with low self-control. PhD dissertation. Tonkabon: Islamic Azad University; 2022. Persian.
18. Shirzadi M, Bayati S, Bodaghi A, Babadi Akasheh N. The effectiveness of philosophy for children program on academic incivility and academic engagement of sixth grade male students in borujen. *J Psychol Sci.* 2021;20(98):295-304. Persian.
19. Navidian A, Vahedi S, Badri Gargary R, Fathi Azar E. The Impact of Teaching Philosophy Children at Psychological Flexibility at Elementary Students with a Cultural Based Approach. *J Appl Psychol Res.* 2021;12(2):265-82. Persian.
20. Dehghan Manshadi M, Shafiee F, Hemati H. The effectiveness of self-care education on children's philosophy on self-control of second grade elementary students in Yazd. *Res Innov Prim Educ.* 2021;3(5):38-50. Persian.
21. Rahimi S, Vahedi S, Imanzadeh A. The effect of philosophy for children education on resiliency of elementary students. *J Think Child.* 2020;10(2):47-67. Persian.
22. Hosseinpour M, Reisi Z, Gorji Y, Ddehghani A. Efficacy of Training Executive Functions on the Self-Control of the Children with Attention Deficit Hyperactivity Disorder. *Empower Except Child.* 2021;12(3):123-34. Persian.
23. Fathi AE, Haj AKA. The effectiveness of Teaching Philosophy for Children on emotional self-regulation in labor children. *J Think Child.* 2020;10(2):95-114. Persian.
24. Isa Morad Roudineh A, Nafar Z, Fatemi F-S. The effectiveness of teaching philosophy on children on empathy and solving social problems elementary school students. *Clin Psychol Stud.* 2019;9(36):117-34. Persian.
25. Rostami K, Fayaz I, Mofidi F, Maleki H, Beheshti S. The effect of philosophy for children educational program on the reasoning skills of the fifth grade elementary school boy students. *J Res Educ Syst.* 2019;13(46):23-33. Persian.
26. Tangney JP, Baumeister RF, Boone AL. High self-control predicts good adjustment, less pathology, better grades, and interpersonal success. *J Pers.* 2004;72(2):271-324.
27. Mousavimoghadam SR, Houri S, Omid A, Zahirikhah N. Evaluation of relationship between intellectual intelligence and self-control, and defense mechanisms in the third year of secondary school girls. *Med Sci J Islamic Azad Univ Tehran Med Branch.* 2015;25(1):59-64. Persian.